

آن فکری که تصرف در طبیعت را به هر نحوی برای خود مجاز بداند در عمل کارش به ساختن چنین تکنولوژی منجر می‌شود

شماره پرسش: ۱۱۱۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: بعد از مطالعه کتاب تکنولوژی از دریچه توحید یک سوال اساسی برای ما باقیمانده که از محضر شما طلب جواب داریم. بالاخره چه نسبت ذاتی بین فرهنگ غرب و تکنولوژی وجود دارد. کسی منکر تاثیر و تاثرات متقابل اینها بر یکدیگر نیست. اما جلوه دادن این تاثیرات متقابل به نحو ذاتی لوازمی به دنبال دارد که گاهی با معارف اسلام سازش ندارد. یا در جای دیگر شما اهداف سازندگان تکنولوژی را همان ذاتیات تکنولوژی دانسته اید و بیان داشته اید که این اهداف روح تکنولوژی را تشکیل داده است. حال سوال این است که بنابر دستگاه منطق ذاتیاتی (ارسطویی) دو چیز هستند که انفکاکشان از شی امکان ناپذیر است. ذاتیات شی و عرضی لازم آن. حال این روح تکنولوژی که همان اهداف سازندگان تکنولوژی است کدام یک از این دو دسته انفکاک ناپذیر است؟ بماند که اغراض و اهداف یک شی جز آن شی نیستند و خارج از آن محسوب می شوند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از همان جهت که فکر در مقابل عمل حکم ذات را دارد و عمل حکم عرض را، آن فکری که تصرف در طبیعت را به هر نحوی برای خود مجاز بداند در عمل کارش به ساختن چنین تکنولوژی منجر می‌شود که در کتاب «مدرنیته و توهم» بحث شده. موفق باشید